

## پیامدهای فرار دختران از منزل

سید ضیاء هاشمی\*، زینب فاطمی امین\*\*، مجید فولادبان\*\*\*

**طرح مسئله:** خروج نوجوانان و جوانان از خانه و ترک خانواده، بدون اجازه والدین یا وصی قانونی، در واقع نوعی واکنش نسبت به شرایطی است که از نظر فرد نامساعد، غیرقابل تحمل و تغییر ناپذیر است. این عمل به عنوان یک مکانیسم دفاعی به منظور کاهش ناملازمات زندگی و خلاصی از محرک‌های آزاردهنده و مضر و دست یابی به خواسته‌های مورد نظر و عموماً آرزوهای دور و دراز به کارگرفته می‌شود، اما آمارها و شواهد نشان می‌دهند که پس از فرار نه تنها مشکلات دختران کاهش نمی‌یابد بلکه فرد وارد یک چرخه آسیب زای اجتماعی می‌شود که پیامدهای منفی زیادی را برای او و جامعه‌اش در پی دارد. مقاله حاضر در پی بررسی پیامدهای فرار دختران از منزل با تکیه بر روش‌های کمی و کیفی تحقیقاتی است.

**روش:** این مقاله مبتنی بر یافته‌های یک تحقیق میدانی وسیع است و با تأکید بر بررسی پیامدهای فرار دختران از منزل، این مسئله را با استفاده هم زمان از سه روش؛ «پیمایش»، «مورد پژوهی» و «گروه کانونی» مورد تحلیل قرار داده است.

**یافته‌ها:** یافته‌های به دست آمده از سه روش به کارگرفته شده در این تحقیق، حاکی از آن است که دختران بعد از فرار با پیامدهایی چون؛ ترک تحصیل، رابطه با جنس مخالف، سوء استفاده جنسی، روسپیگری، عضویت در باندهای خلاف و فساد، افسردگی، خودزنی و خودکشی، مصرف مواد مخدر یا الکل و طرد از خانواده در سطح جامعه روبه رو بوده‌اند و دچار انواع آسیب‌های عاطفی و اجتماعی گشته‌اند.

**نتایج:** مقاله حاضر با رویکردی کیفی، نتایج حاصله را در سه سطح پیامدهای فردی، پیامدهای خانوادگی و پیامدهای اجتماعی ارائه داده است. چراکه در اکثریت قریب به اتفاق موارد، فرار دختران از خانه در حالی اتفاق می‌افتد که دختر هیچ برنامه‌ای برای بعد از فرار خود از خانه ندارد و از پیامدهایی که در انتظارش است، آگاهی کافی ندارد و این امر او را با مشکلات و آسیب‌های عایدی مواجه می‌سازد که راه‌گیزی برای آن‌ها نیست.

**کلیدواژه‌ها:** پیامد خانوادگی، پیامد فردی، دختران فراری، پیامد اجتماعی.

تاریخ پذیرش: ۸۹/۷/۴

تاریخ دریافت: ۸۸/۷/۹

\* دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران

\*\* کارشناس ارشد، علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی

\*\*\* دانشجوی دکتر جامعه‌شناسی (نظری - فرهنگی)، دانشگاه تهران <m.fouladiyan@gmail.com>

## طرح مسئله

فرار دختران از خانه اگرچه در نگاه اول پدیده‌ای فردی است، اما با توجه به پیامدهای سوء آن که در نظم اجتماعی اختلال و آشفتگی ایجاد می‌کند، منشاء بسیاری از رفتارهای ضداجتماعی و انحرافی مانند خودفروشی، اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی، توزیع مواد مخدر، تشکیل باندهای فساد و فریب سایر زنان و دختران، رواج روسپیگری و شیوع انواع بیماری‌های مقاربتی و... می‌شود و نه تنها آنان را در معرض آسیب‌های جدی روانی و جسمی قرار می‌دهد، بلکه در صورت عدم انجام اقدامات مؤثر برای حل آن بخشی از نیروی کار و تولید جامعه و سلامت جسم و روان تعداد قابل توجهی از مادران فردای جامعه از دست خواهد رفت.

افزایش فزاینده پدیده فرار خانه در بین دختران در سال‌های اخیر و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی آن توجه متخصصان، سیاست‌گذاران و جمعیت عمومی را به این پدیده معطوف ساخته است. به طوری که بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت، سالانه بیش از یک میلیون نوجوان ۱۸-۱۲ ساله از خانه فرار می‌کنند که از این تعداد ۷۴ درصد دختر و ۲۶ درصد پسر هستند (ادلبروک، ۱۹۸۰، به نقل از دی مان، ۲۰۰۰؛ کوکو و کوآرتنی، ۱۹۹۸، فین کلهر، ۱۹۹۲ کرسپی و ساباتلی، ۱۹۹۳؛ ویت بک، ۲۰۰۴). در ایران نیز اکنون چند سالی است که مسئله فرار دختران از خانه، جنبه فوق‌العاده‌ای پیدا کرده و آمار آنان به طرز نگران‌کننده‌ای در حال افزایش است و این ممکن است نشان‌گر وجود اختلال در کارکرد نهاد خانواده و یا سایر نهادهای جامعه باشد. بر اساس اعلام روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور، آمار دختران فراری هر سال ۱۵ درصد افزایش می‌یابد و بسیاری از دخترانی که به مراکز بهزیستی سپرده می‌شوند، از سوی نیروی انتظامی معرفی شده و تعداد کمی از آنها نیز خود معرف هستند. همچنین بیش‌تر این دختران در سنین ۱۸-۱۴ سال هستند. بر اساس برخی از یافته‌های کارشناسان ۶۰ درصد و در برخی دیگر ۸۰ درصد دختران فراری در صورتی که توسط نیروی انتظامی و یا گشت سیار بهزیستی جمع‌آوری

نشوند، به زنان خیابانی آینده تبدیل خواهند شد و متعاقب آن بسیاری از بیماری‌های مقاربتی مانند ایدز و... به همراه آسیب‌های اجتماعی دیگر، دامن‌گیر جامعه خواهد بود (میرزایی، ۱۳۸۳). نکته قابل توجه این جاست که خیابانی شدن تعداد زیادی از دختران و کودکان در ایران، در مقایسه با دیگر کشورها، با توجه به معیارهای خانوادگی، شرعی و هنجارهای خاص اجتماعی، یک آسیب اجتماعی بزرگ به‌شمار می‌آید (صمدی راد، ۱۳۸۱).

این در حالی است که در سال‌های اخیر مطالعات علمی و دقیقی درباره میزان شیوع فرار از خانه در ایران انجام نشده است و تحقیقات و مقالاتی که تاکنون ارائه گردیده‌اند اکثراً با رویکرد کمی و با تأکید بر یافتن علل و عوامل مؤثر بر فرار بوده و کم‌تر به بررسی ابعاد پیامدهای فرار دختران از منزل به عنوان یک معضل اجتماعی پرداخته‌اند (به عنوان مثال: ایزدی، ۱۳۷۱؛ سعیدی، ۱۳۷۴؛ تیموری، ۱۳۷۶؛ گودرزی، ۱۳۸۰؛ چهارده ولی، ۱۳۸۱؛ حمیدی، ۱۳۸۲؛ طهرانی زاه، ۱۳۸۳؛ سیفی لی، ۱۳۸۵). بنابراین تحقیق حاضر با رویکردی کیفی در پی فهم پیامدهای فرار دختران از منزل می‌باشد و سه هدف اصلی را دنبال می‌کند:

الف) بررسی پیامدهای فردی فرار دختران از منزل

ب) بررسی پیامدهای خانوادگی فرار دختران از منزل

ج) بررسی پیامدهای اجتماعی فرار دختران از منزل

## پیامدهای فرار دختران

پیچیده تر شدن روابط اجتماعی، صنعتی شدن کشورها، سست شدن روابط عاطفی حاکم بر خانواده، شکاف بین نسلی، بیکاری، فقر، مهاجرت بی‌رویه به شهرهای بزرگ و کلان شهرها، افزایش حاشیه نشینی و... زمینه مناسبی برای گسترش آسیب‌های اجتماعی فراهم آورده است. فرار دختران از خانه اگر چه در نگاه اول پدیده‌ای فردی است اما با توجه به پیامدهای سوء آن که در نظم اجتماعی اختلال و آشفتگی ایجاد می‌کند، منشأ بسیاری از

رفتارهای ضد اجتماعی و انحرافی مانند خودفروشی، اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی، توزیع مواد مخدر، تشکیل باندهای فساد و فریب سایر زنان و دختران، رواج روسپیگری و شیوع انواع بیماری‌های مقاربتی و... می‌شود. بنابراین، این منطقی است که این موضوع را به عنوان یکی از معضلات بسیار جدی در جامعه کنونی ایران به حساب آوریم. دختران فراری به خاطر شرایط خاص خود مورد انواع سوء استفاده‌ها و آزارها قرار می‌گیرند و در نتیجه، زمینه را برای پیدایش و افزایش باندهای جنایت کاری که این دختران را مورد استثمار و بهره‌کشی قرار می‌دهند فراهم می‌سازد. این پدیده سبب می‌شود که سطح جرم و جنایت در جامعه افزایش یابد و در نتیجه امنیت و سلامت اجتماعی به مخاطره بیفتد. به عبارت دیگر، پدیده دختران فراری که خود معلول متعددی است، می‌تواند عامل بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دیگر شود. از طرفی نوجوانان و جوانان سرمایه‌های ملی و انسانی هر جامعه‌ای هستند که در صورت هرز رفتن و فاسد شدن این سرمایه عظیم خسارات و آسیب‌های جبران ناپذیری به پیکره جامعه و نظام اجتماعی وارد می‌شود.

هنگامی که دختری به هر دلیلی (منطقی یا غیرمنطقی) از خانه فرار می‌کند، خود و خانواده و جامعه پیرامونش را تا شعاعی وسیع به طرق مختلف در معرض آسیب‌ها و خطرات گوناگون قرار می‌دهد (جوادی یگانه، ۱۳۸۴).

حال این آسیب‌ها و خطرات را به عنوان پیامدهای ناشی از فرار دختران در سه بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی بررسی می‌کنیم.

### **پیامدهای فردی فرار دختران**

فرار آغاز بی‌خانمانی و بی‌پناهی است و همین امر زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را فراهم می‌کند. دختران فراری برای امرار معاش به سرقت، تکدی‌گری، توزیع مواد مخدر، مشروبات الکلی و کالاهای غیر مجاز، روسپیگری، عضویت در باندهای مخوف و کثیف

اغفال و فحشا اقدام می‌کنند (محبی، ۱۳۸۱؛ اردلان و دیگران، ۱۳۸۱؛ جوادی یگانه، ۱۳۸۴). برخی از این دختران پس از فرار در ساختمان‌های متروکه، پارک و خانه‌های فساد و... شب را به صبح می‌رسانند و از مکانی به مکان دیگر در حرکت هستند فقط برای آن که بتوانند زنده بمانند. آن‌ها با اسامی مستعار و تیپ پسرانه و کارهای مردانه در جمع دوستان (دختر یا پسر) روزگار فلاکت باری را سپری می‌کنند. شکارچیان با اغفال این دختران که اغلب شهرستانی، ساده و بی‌آلایش هستند و از اوضاع و احوال شهرهای بزرگ خبر ندارند، اموالشان را به سرقت می‌برند و پس از تجاوز به عنف، یا آن‌ها را رها می‌کنند یا پس از شکنجه و آزار به دلیل ناشناخته بودن و غربت، می‌کشند. برخی از باندهای فحشا نیز اقدام به انتقال دختران فراری به کشورهای دیگر، تجارت سکس و فروش اجزای بدن آن‌ها می‌کنند.

دختران فراری پل‌های پشت سر خود را خراب و ویران می‌کنند. ارتکاب آنان به جرایم و فساد اخلاقی موجب می‌شود که دچار انواع بیماری‌ها و اختلالات روحی و روانی شوند و برخی از آن‌ها به دلیل سرافکنندگی ناشی از تجاوزات دست به خودکشی می‌زنند (معتمدی، ۱۳۸۲).

نتایج یک تحقیق ملی در آمریکا (فرو و دیگران، ۱۹۹۲) نشان می‌دهد که ۱۱٪ کل فراری‌ها مبتلا به افسردگی همراه با سوء مصرف الکل و ۸۵٪ مبتلاً به افسردگی بوده‌اند و ۲۰٪ آن‌ها تا به حال اقدام به خودکشی کرده‌اند. به علاوه اکثر این افراد رفتارهای ضد اجتماعی و جرایم زیادی از جمله دزدی، زنا، توزیع مواد مخدر، ضرب و شتم و... مرتکب شده‌اند. ۶۶٪ آن‌ها مشروبات الکلی، ۶۹٪ ماری جوانا، ۲۱٪ آمفتامین و ۱۵٪ کوکائین مصرف می‌کنند.

در واقع اکثریت قریب به اتفاق موارد فرار دختران از منزل، در حالی اتفاق می‌افتد که دختر آگاهی کافی از پیامدهایی که در انتظارش است، ندارد. آوارگی، بی‌خانمانی و سرگردانی پس از فرار، دختران را با سرخوردگی و شوک مواجه می‌کند، به گونه‌ای که

تمام آرزوهای از پیش ساخته خود را جز سرابی پیش رو نمی‌بیند. در این هنگام چون غالباً روی بازگشت به خانه را ندارند یا برای برگشتن به مکان پررنج و آزار و محرومیت، انگیزه‌ای نمی‌یابند، به ناچار جذب گروه‌های فساد شده و با برقراری رابطه جنسی، رفته رفته خود را در این باتلاق غرق شده می‌بینند و به طور رسمی به روسپیگری می‌پردازند که نتیجه آن ابتلا به انواع بیماری‌های مقاربتی از جمله ابتلا به ایدز است (عبداللهی، ۱۳۸۱). بنابراین بیش‌تر دختران فراری، حداکثر دو روز بعد از تاریخ فرار، مورد تجاوز و سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند (اردلان و دیگران، ۱۳۸۱). علاوه بر این، بخش قابل توجهی از آنان نیز به اعتیاد کشانده شده‌اند (فارست و دیگران، ۱۹۹۴ و پارسا بیگدلی، ۱۳۸۴). بدین سان، فراریان از منزل در بیرون از خانه، در معرض همان آسیب‌هایی قرار گرفته‌اند که در خانواده خود، با آن‌ها روبه رو بوده‌اند، ولی این بار با چنان شدت و حدتی که امکان بازگشت آنان را نه فقط به زندگی عادی، بلکه حتی به زندگی خانوادگی قبلی خود نیز مشکل ساخته است. برخی از این گونه زنان، متعاقب ازدواج‌های مصلحتی و ناموفق که داشته‌اند، به روسپیگری کشانده شده‌اند. اینان با همسران خود که اغلب افرادی فقیر، بیکار، معتاد، مهاجر و غیربومی بوده‌اند، درگیری پیدا کرده و پس از طلاق و جدایی و سرگردانی و بی‌پناهی، در دام گروه‌های تبهکار افتاده‌اند و مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند. اینان پس از تکرار کج روی‌ها و احتمالاً اعتیاد به مواد مخدر و نیاز به پول بیش‌تر، شرایط همکاری با تبهکاران را پذیرفته‌اند و بنابراین برای پنهان نگه داشتن کژکارکردی‌ها، به هرگونه ذلت و خواری، از جمله روسپیگری تن داده‌اند (علیایی زند، ۱۳۸۲؛ خراطها، ۱۳۸۲؛ کامکار، ۱۳۸۲). در این زمان است که اضطراب و افسردگی به سراغشان آمده و به تدریج آنان را به سوی خودکشی سوق می‌دهد.

### پیامدهای خانوادگی فرار دختران

فرار دختران می‌تواند بزرگ‌ترین لطمه و ضربه برای حیثیت و شرافت خانوادگی فرد باشد (معظمی، ۱۳۸۲؛ جوادی یگانه، ۱۳۸۴؛ محبی، ۱۳۸۱). این عمل اولاً، نشانه‌ای از ناکارآمدی

خانواده در تربیت فرزند، شکاف نسلی بین والدین و فرزندان و اختلاف خانوادگی است (جشان، ۱۳۸۱؛ کرم خانی، ۱۳۸۴؛ برزگر ۱۳۸۲: ۲۰۹) و ثانیاً، از آنجا که فرجام و سرانجام فرار دختران در اکثر موارد چنانچه ذکر گردید، گرفتار آمدن در دایره تنگ باندهای فساد و فحشا و ارتکاب جرایم اخلاقی است (اردلان، ۱۳۸۳)، لذا فرار به مفهوم لکه ننگ و بدنامی برای خانواده محسوب می‌شود و به همین دلیل است که فرار دختران، کم‌تر توسط خانواده‌ها گزارش می‌شود و اغلب پس از بی‌نتیجه ماندن جستجوها و تلاش‌های خانوادگی، فرار دختران به مراجع قضایی گزارش می‌شود.

فرار دختران زندگی آینده آنان را به تباهی و سیاهی می‌کشاند، و احتمال تشکیل خانواده برای دختر فراری به دلیل تهدید سلامت روانی، جسمی و جنسی (به علت رفتار خلاف اخلاق خواسته یا ناخواسته) و خدشه دار شدن اصالت و شرافت خانواده به حداقل ممکن کاهش می‌یابد (محبی، ۱۳۸۱).

از طرف دیگر دختران فراری با درگیر شدن در مسائل غیراخلاقی، نمی‌توانند به خانواده بازگردند، مگر آن که خانواده به این نکته توجه نماید که عدم پذیرش فرد به معنای فروغلتیدن هر چه پیش‌تر او در منجلاب فساد و تباهی است، لذا در مواردی با اکراه دختر را در خانواده جای می‌دهند یا آن که در خانواده‌های از هم گسیخته، بود و نبود دختر چندان فرقی ندارد. در هر حال زندگی دختر فراری در صورت بازگشت به منزل نیز همراه با مشکلات مضاعف خواهد بود، زیرا خانواده، وی را به دلیل اعمال خلاف بیش‌تر از گذشته مستعد کج روی و رفتارهای انحرافی می‌داند، لذا قیود خود را بیش‌تر خواهد نمود، ضمن آن که دختر نیز به دلیل تجربه آزادی‌های خارج از خانه که متناسب با سن و موقعیت او نبوده، محیط خانه را غیرقابل تحمل‌تر می‌داند (معمدی، ۱۳۸۲).

### پیامدهای اجتماعی فرار دختران

پیامدهای اجتماعی فرار دختران از خانه را می‌توان در چندین مقوله مورد بحث قرار داد:

### تهدید بهداشت اخلاقی و روانی جامعه:

آسیب‌های اجتماعی از جمله فرار، همچون امراض و ویروس‌هایی هستند که اخلاقیات و حیات اجتماعی را با خطر مواجه کرده و به رواج بی‌حرمتی اخلاقی، تخطی از هنجارهای اجتماعی و ایجاد فضای مسموم در جامعه می‌گردد، که می‌تواند ضمن لکه دار نمودن عفت عمومی و شکستن حریم‌های اخلاقی، بهداشت روحی و روانی اعضای جامعه را تهدید کند و آسیب‌های جدی به سلامت جامعه وارد نمایند.

### تحلیل هزینه‌های اجتماعی:

فرار دختران هزینه‌های فراوانی را به دوش جامعه و خانواده می‌گذارد، این هزینه‌ها شامل اقداماتی نظیر دریافت گزارشات و شناسایی دختران فراری توسط نیروهای انتظامی و امنیتی، انجام مراحل قضایی، ایجاد مراکز مختلف نگهداری دختران مانند کانون اصلاح و تربیت و مراکز سامان دهی دختران فراری می‌گردد، که همه این‌ها هزینه‌های سنگینی را بر جامعه تحمیل می‌نماید (معمدی، ۱۳۸۲).

### افزایش نرخ آسیب‌های اجتماعی:

جامعه‌شناسان معتقدند پدیده‌های اجتماعی همچون حلقه‌های زنجیر به هم متصل و وابسته‌اند، به طوری که افزایش نرخ آسیب‌هایی چون طلاق، بیکاری اعتیاد و... منجر به افزایش آسیبی نظیر فرار دختران می‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۱)، نکته قابل توجه آن که فرار دختران از خانه نیز به افزایش نرخ آسیب‌های اجتماعی نظیر فعالیت باندهای تجارت دختران، باندهای فحشا و روسپیگری، اعتیاد و... منتهی می‌گردد.

### قاچاق زنان و دختران:

موضوع قاچاق دختران مطلب جدیدی نیست و منحصر به ایران هم نمی‌باشد. باندهای قاچاق با فریب دختران و زنان در برخی آرایشگاه‌ها، پارک‌ها، مقابل مدارس و در برخی



میهمانی‌ها، این دختران را با میل و رغبت خودشان از ایران خارج می‌کنند. بر اساس تحقیقات انجام گرفته از سوی مراجع بین‌المللی، قاچاق و فروش زنان و قاچاق انسان در رده دوم پول‌سازترین تجارت کثیف پس از مواد مخدر قرار دارد. قاچاق این افراد با شیوه‌های جاسازی در داخل بارها، جاسازی داخل اتوبوس‌ها و کامیون‌ها، همچنین داخل لنج‌های باری و مسافری صورت می‌گیرد (جوادی یگانه، ۱۳۸۴). کارشناسان مسائل اجتماعی معتقدند باندهای قاچاق با پول‌های کلانی که از این راه به دست می‌آورند، با استفاده از نقاط ضعف دختران از آن‌ها سوءاستفاده می‌کنند و قربانیان خود را به مسلخ می‌کشند.

### روش تحقیق

در این تحقیق برای بررسی پیامدهای فرار دختران از منزل از سه روش متفاوت استفاده گردید. در این روش‌ها به دلیل ماهیت موضوع و هدف تحقیق، رویکرد غالب کیفی است و بخش کمی مقاله مبتنی بر نتایج پیمایش است که در جریان تحقیق به دست آمده است. دیگر روش‌های مورد استفاده در این مقاله عبارتند از: مورد پژوهی و گروه متمرکز.

### پیمایش

در مقاله حاضر برای بررسی بخشی از اهداف تحقیق روش «پیمایش»<sup>۱</sup> انتخاب شده است. پیمایش روشی در تحقیق اجتماعی است که بیکر آن را چنین تعریف می‌کند: توصیفی است از نگرش و رفتار جمعیتی بر اساس انتخاب نمونه‌ای تصادفی و معرف از افراد آن جمعیت و پاسخ آن‌ها به یک رشته سؤال (دواس، ۱۳۸۱) و نتایجی که با اجرای این روش به دست آمده است ارائه می‌گردد.

---

1. survey

### مورد پژوهی

«مورد پژوهی»<sup>۱</sup> از جمله روش‌های کیفی و ژرفانگراست که به مطالعه عمیق از نمونه‌های یک پدیده در محیط طبیعی آن می‌پردازد. مورد پژوهی یک واحد اجتماعی را به طور کامل مورد مطالعه قرار می‌دهد (کی یین، ۱۳۷۸). در این تحقیق واحد تحلیل فرد می‌باشد. مطالعه موردی بر اساس شناخت رفتار فرد با در نظر گرفتن تمام محیط پیرامون او تحقق می‌پذیرد. بنابراین این روش ابعادی بسیار گسترده دارد و بر تکنیک‌های ویژه‌ای متکی است. تکنیک‌های به کار گرفته شده در این تحقیق عبارتند از: ۱- مصاحبه و مشاهده مستقیم ۲- بررسی اسناد و سابقه مورد ها. از آن جا که مورد پژوهی مستلزم پژوهش میدانی است، هنگام گردآوری داده‌ها، منابعی چون مشاهده‌ها، مصاحبه‌ها و گزارشات ثبت شده محور قرار گرفته و نتایج پس از خلاصه سازی به شیوه شرح واقع گرایانه<sup>۲</sup> ارائه می‌شوند (گودمن و کلایتون، ۱۹۹۷؛ حریری، ۱۳۸۵).

### گروه متمرکز

در روش «گروه متمرکز»<sup>۳</sup>، گروهی از افراد به وسیله محققین انتخاب و با بهره‌گیری از تجارب شخصی شان به بحث درباره موضوع تحقیق می‌پردازند (بورگس، ۱۹۹۶). در این روش مدیر بحث مسائل و سؤالات پژوهشی را در جمع مطرح و روند بحث را به سمت پاسخ به سؤالات اساسی تحقیق هدایت می‌کند.

در این تحقیق ما سه مصاحبه متمرکز گروهی داشته‌ایم. نمونه‌های حاضر در این مصاحبه‌ها از میان کارشناسان مراکز نگهداری از دختران فراری در شهر مشهد و تهران انتخاب شده‌اند. (کلاً دو خط بعدی جایگزین مطالب این بخش گردید).

در این تحقیق ما دو گروه متفاوت برای انجام بحث متمرکز داشته‌ایم: الف) مصاحبه گروهی با دختران فراری، ب) مصاحبه گروهی با کارشناسان که در هر دو شهر تهران (در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران) و مشهد (در مرکز) برگزار شد.

1. case study      2. realist teles      3. focuse group

## جامعه و نمونه آماری

در رابطه با دختران فراری، ما عملاً با «جامعه در دسترس» سر و کار داریم، یعنی دخترانی که در مراکز گوناگون سازمان بهزیستی در دو شهر تهران و مشهد نگهداری می‌شوند. این تعداد در زمان انجام تحقیق حدود ۶۳ نفر در تهران و ۸۰ نفر در شهر مشهد بوده‌اند. با توجه به حجم محدود جامعه آماری مناسب‌تر این بود که تمام نمونه موجود در روش پیمایش مورد مطالعه قرار گیرند. لذا تمام ۱۴۳ دختر فراری در دست رس در روش پیمایش مورد مطالعه قرار گرفتند.<sup>۱</sup> اما در روش مورد پژوهی از نمونه‌گیری «گونه‌نمایی»<sup>۲</sup> استفاده شده است، یعنی برگزیدن مواردی که بیش‌ترین فراوانی را در جامعه آماری داراست (ساروخانی، ۱۳۸۶ و حریری، ۱۳۸۵). در این تحقیق برای روش مورد پژوهی ۱۲ نفر از دختران فراری در مراکز بهزیستی مشهد و تهران به عنوان نمونه انتخاب شدند.<sup>۳</sup> در روش گروه کانونی شیوه نمونه‌گیری نیز به روش «مصلحتی» بوده است. دلیل انتخاب این روش عدم تمایل برخی کارشناسان به شرکت در این روش می‌باشد. به طور کلی سه مصاحبه گروهی در این تحقیق انجام شده است، همچنان که ذکر گردید دو مورد از مصاحبه‌های گروهی در مرکز tc مشهد و یک مورد در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران انجام شد.

۱- باید توجه داشت که خود این جامعه ۱۴۳ نفری در واقع نوعی نمونه زمانی محسوب می‌گردد، زیرا جمعیت آماری دختران فراری پذیرش شده در طی یک سال در حال تغییر می‌باشند و در واقع بنا بر نظریه کیش (کیش، ۱۹۶۵) به نقل از خوی نژاد، (۱۳۸۰) می‌توان در این گونه مواقع که جامعه هدف یا آماج با جامعه در دست رس تفاوت دارد؛ از شیوه نمونه‌گیری مبتنی بر زمان استفاده نمود. لذا این جمعیت ۱۴۳ نفری را باید نمونه‌ای از دختران فراری که در طی یک دوره زمانی (مثلاً یک سال) که در مراکز نگهداری پذیرش شده‌اند، محسوب نمود. بر این اساس می‌توان نتایج تحلیل‌های آماری را به جامعه بزرگ‌تری که در واقع در طی یک بازه زمانی وجود دارد، تعمیم داد. لذا بنا بر این نظریه، ما می‌توانیم از آمار استنباطی در خصوص این گونه نمونه‌ها استفاده نماییم.

### 2. modal type

۳- از آن جا که شیوه نمونه‌گیری در روش مورد پژوهی به صورت نمونه‌گیری «گونه‌نمایی» بوده است و این شیوه از نوع نمونه‌گیری غیراحتمالی است، بنابراین نتایج این بخش علی‌رغم عمق و غنای زیاد قابلیت تعمیم به کل جامعه آماری دختران فراری را ندارد.

### تکنیک تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات

در این تحقیق برای روش «پیمایش» از پرسش نامه‌های محقق ساخته که به صورت مصاحبه‌ی چهره به چهره توسط پرسش‌گران با تجربه و کارآموده تکمیل گردیده، استفاده شده است. در روش «مورد پژوهی»، مصاحبه‌های عمیقی با دختران فراری که در مراکز بهزیستی نگهداری می‌شدند انجام گرفت. زمان هر کدام از مصاحبه‌ها حدود ۲ الی ۸ ساعت بوده است. در روش «گروه کانونی» سه گروه از کارشناسان برای انجام بحث متمرکز انتخاب شدند. هر جلسه با ۵ تا ۱۰ نفر از کارشناسان واجد شرایط تشکیل شد و زمان هر بحث به طور متوسط ۲ ساعت بود.

### روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری

در بحث روایی پرسش نامه در بخش پیمایش، میزان توافق اجتماعی، هم‌رایی و اتفاق نظر متخصصان یک امر در رابطه با یک شاخص، بررسی می‌شود. در تحقیق حاضر نیز، با استفاده از همین روش، محققین چه در ابتدای تدوین پرسش نامه و چه در هنگام نهایی کردن پرسش نامه تحقیق، پرسش نامه مقدماتی و پرسش نامه نهایی خود را به اساتید و محققانی که در این زمینه دارای تجربه و صاحب نظر می‌باشند، ارائه نمودند و نکات با ارزشی نیز توسط این افراد گفته شد که سعی گردید با به کار بستن راهنمایی‌های ایشان برغناهی پرسش نامه و روایی آن افزوده گردد.

روایی روش مورد پژوهی در این کار تحقیقاتی؛ با استفاده از منابع متعدد (مصاحبه، مشاهده و مراجعه به اسناد و مدارک)، نقد و بررسی دست نویس‌های گزارش، ارائه تبیین و تشکیل تسلسل شواهد سنجیده شده است.

### یافته‌های تحقیق

در این قسمت نتایج تحقیق به تفکیک روش‌های مورد استفاده در چهار بخش ارائه می‌شود. بخش اول مربوط به ارائه قسمتی از نتایج پیمایش است که ناظر به پیامدهای فرار

می‌باشد. در بخش دوم، یافته‌های مربوط به روش مورد پژوهی گزارش می‌شود. در نهایت در سومین بخش نتایج بحث‌های گروه کانونی گزارش خواهد شد.

### یافته‌های بخش پیمایش

یافته‌ها در باب وضعیت تحصیلی دختران فراری حاکی از آن است که ۳۴/۳ درصد دختران فراری هنگام فرار در حال تحصیل بوده‌اند، ۵۸/۴ درصد ترک تحصیل کرده‌اند و ۷/۳ درصد دختران فراری اصلاً درس نخوانده بودند. هم چنین در ارتباط با میزان تحصیلات دختران فراری، تنها ۲/۹ درصد دختران فراری دارای تحصیلات عالی، ۱۴/۳ درصد دارای دیپلم و مابقی (۸۲/۸ درصد) تحصیلات زیردیپلم داشتند. یافته‌های مربوط به موارد جنسی دختران فراری پس از ترک منزل نشان می‌دهند که ۶۴/۳ درصد دختران فراری پس از ترک منزل با جنس مخالف رابطه‌ی دوستانه داشتند که از این بین در ۸۷/۵ درصد موارد، رابطه‌ی آنها به رابطه‌ی جنسی انجامیده است. هم چنین ۵۰/۴ درصد دختران فراری پس از ترک منزل مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته بودند. از یافته‌های موارد سوء استفاده جنسی چنین برمی‌آید که بیش‌ترین تجاوزات جنسی (۳۶ درصد) صورت گرفته علیه دختران فراری توسط افراد خیابانی بوده است. هم چنین ۱۳/۲ درصد دختران فراری اظهار داشتند که توسط دوست‌پسر و ۴۸ درصد آنها توسط سایر نزدیکان مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های وضعیت دختران فراری قبل از فرار بیان‌گر آن است برای ۲۷/۹ درصد از دختران فراری اتفاق افتاده است که چند روزی را بدون اجازه‌ی سرپرستان خود در منزل یکی از اقوام بگذرانند. همچنین ۶۵/۷ درصد دختران فراری دارای دوست‌پسر بوده‌اند. ۶/۴ درصد دختران فراری تا قبل از انجام تحقیق دست به سرقت زده بودند تا مشکلات خود را رفع نمایند. ۲۵ درصد دختران فراری نیز سابقه‌ی استفاده از مواد مخدر را داشتند. بر اساس دیگر نتایج این تحقیق می‌توان دریافت که از بین ۲۵ درصد دختران فراری که سابقه‌ی مصرف مواد مخدر را داشته‌اند؛ ۹/۱ درصد تریاک مصرف کرده بودند، ۱۵/۲

درصد کریستال و ۵۴/۵ درصد نیز از همه انواع مواد مخدر استفاده کرده‌اند. در ارتباط با عکس العمل سرپرستان پس از آگاهی از ترک منزل دختران، یافته‌ها نشان می‌دهند که تنها ۲۵ درصد از سرپرستان به دنبال دختر فراری از منزل خود گشتند، سایر عکس العمل‌های عمده شامل عصبانی شدن (۱۳/۴ درصد)، ناراحت شدن (۸/۹ درصد)، خوشحال شدن (۲/۷ درصد)، سکنه کردن پدر (۲/۷) و برخورد شدید با دختر (۳/۶ درصد) و ارجاع دختر به پزشکی قانونی (۱۰/۷ درصد) بوده است و البته ۳۳ درصد خانواده‌ها هم عکس‌العمل خاصی نداشته‌اند. اما یافته‌های به دست آمده از برخورد اعضای خانواده به هنگام برگشت پس از اولین ترک منزل حاکی از آن است برخورد اکثر اعضای خانواده‌های دختران فراری (۵۰ درصد) به هنگام برگشت پس از اولین ترک منزل بسیار بد و با تنبیه شدید بدنی همراه بوده است، همچنین ۷ درصد دیگر هم با عدم پذیرش خانواده مواجه شده‌اند. برخورد ۱۵/۱ درصد خانواده‌ها نیز بسیار خوب اظهار گردیده است و بقیه دختران موارد دیگری را مطرح کرده‌اند.

#### یافته‌های بخش مورد پژوهی

با توجه به مطالب ذکر شده، در مجموع پیامدهای فرار دختران در سه محور اصلی فردی، خانوادگی و اجتماعی مطرح گردید که با توجه به ماهیت تکنیک مورد پژوهی که اساساً به عمق یک پدیده از زاویه دید پاسخ‌گو وارد می‌شود، نتایج این قسمت تنها ناظر به دو بعد اول یعنی پیامدهای فردی و خانوادگی است. به‌طور کلی می‌توان این پیامدها را از دیدگاه خود دختران به صورت زیر مقوله بندی کرد و در قالب جدول زیر ارائه داد.

جدول ۱). پیامدهای فردی و خانوادگی فرار دختران از منزل بر اساس روش مورد پژوهی

درصد	پیامد	اولویت	
۹۱/۶	دوست شدن با جنس مخالف	۱	پیامدهای فردی
۸۳/۳	بی‌خانمانی و بی‌پناهی	۲	
۶۶/۶	برقراری رابطه جنسی	۳	
۵۸/۳	مورد تجاوز قرار گرفتن	۴	
۵۸/۳	احساس نیاز به فردی امین و قابل اعتماد	۵	
۵۸/۳	اعتیاد به مواد مخدر	۶	
۵۰	عضویت در باندهای خلاف و فساد	۷	
۵۰	اختلالات روحی و روانی	۸	
۵۰	از دست دادن عفت	۹	
۵۰	اقدام به خودکشی	۱۰	
۴۱/۶۶	روسپیگری	۱۱	
۴۱/۶۶	مصرف مشروبات الکلی	۱۲	
۳۳/۳	آسیب‌های عاطفی	۱۳	
۲۵	سرقت	۱۴	
۸/۳	تکدی گری	۱۵	
۶۶/۶	از بین رفتن شرافت و حیثیت خانواده	۱	پیامدهای خانوادگی
۵۸/۳	طرد شدن از خانواده	۲	
۵۴/۸	عدم پذیرش دختر از طرف خانواده	۳	
۴۱/۶۶	غیر قابل تحمل بودن فضای خانواده بعد از فرار	۴	
۸/۳	کاهش احتمال تشکیل خانواده برای دختر فراری		

در این بخش فرآیند فرار را می‌توان این گونه تشریح کرد که اکثر قریب به اتفاق دختران مورد مطالعه در این روش دوست شدن با جنس مخالف را به عنوان یکی از

پیامدهای فرار از خانه معرفی کرده یا خودشان پس از فرار با جنس مخالف رابطه دوستی برقرار کرده‌اند. آن‌ها ابراز داشته‌اند که این امر ناشی از موقعیت خاص دختران فراری است، زیرا اکثر آن‌ها بدون هیچ برنامه خاصی برای پس از فرار از منزل بیرون می‌آیند و از آن‌جا که یا وضعیت مادی مناسبی ندارند و یا طبق مقررات موجود در کشور هیچ هتل و یا مسافرخانه‌ای به آن‌ها اسکان نمی‌دهد، در ابتدای امر دچار آوارگی و سرگردانی در خیابان‌ها، پارک‌ها و یا اماکن عمومی و مذهبی می‌شوند. پس از مدتی برای رهایی از این وضعیت بی‌خانمانی مجبورند با اعتماد به فردی به منزل او بروند که در اکثر موارد این امر شروع رابطه‌های دوستی با جنس مخالف است. بعد از این مرحله پیامد فردی دیگر، برقراری ارتباط جنسی است. اکثر این دختران پس از فرار مورد تجاوز افرادی قرار گرفته‌اند که در ابتدا مورد اعتماد این دختران واقع شده بودند. به طور کلی افرادی که شب‌ها به این دختران مکانی را می‌دهند، در مقابل انتظار رابطه جنسی از آن‌ها دارند که در صورت عدم تمکین دختران، رابطه آن‌ها به تجاوزهای خشونت آمیز می‌انجامد. پس از برقراری اولین ارتباط جنسی، دختران آسیب دیده (که غالباً بکارت خود را نیز از دست داده‌اند) رابطه جنسی را به عنوان یک امر طبیعی با پسران برقرار می‌کنند. در بسیاری از موارد پس از مدتی تعداد رابطه‌های جنسی این گروه با افراد مختلف گسترش می‌یابد و خواسته یا ناخواسته به روسپسانی حرفه‌ای تبدیل می‌شوند.

این تنها سرنوشت گروهی از دختران است. تعداد دیگری از دختران پس از فرار به پارک‌ها و مراکز عمومی دیگر می‌روند. متأسفانه در این محل‌ها قوادانی (دلالانی) هستند که به صورت حرفه‌ای به دنبال چنین طعمه‌هایی می‌گردند و به سرعت این دختران را شناسایی می‌کنند. آن‌ها بیان می‌کردند از آن‌جا که اکثر دختران فراری در وضعیت پس از فرار به شدت احساس نیاز به فردی قابل اعتماد و امین دارند، این افراد با جلب اعتماد دختران، آن‌ها را جذب خانه‌های فساد می‌کنند. قوادان در اولین قدم دختران را در دام مواد مخدر گرفتار می‌کنند تا آن‌ها را از لحاظ جسمی و روانی به خود وابسته کنند و سپس به



دلیل همین نیاز آن‌ها و همچنین نیاز به غذا و سرپناه، آن‌ها را مجبور به برقراری ارتباط جنسی با افراد مختلف می‌کنند و تدریجاً این دختران تبدیل به روسپیانی می‌شوند که تأمین‌کننده منافع پلید باندهای فساد هستند.

اکثر دختران فراری، پس از مدتی که قادر به درک شرایطی که در آن قرار گرفته‌اند می‌شوند، شدیداً دچار سرخوردگی اختلالات شدید روحی و روانی از قبیل افسردگی، اضطراب و پرخاشگری می‌گردند. برخی دیگر از دختران مورد مصاحبه دچار آسیب‌های عاطفی از قبیل کاهش اعتماد به نفس، دلتنگی شدید برای خانواده و احساس یأس بودند. در این شرایط روحی تعداد قابل توجهی از آن‌ها اقدام به خودزنی و خودکشی نموده و یا به مصرف مواد مخدر و یا الکل پناه می‌برند.

اما در باب پیامدهایی که گریبان‌گیر خانواده‌های دختران فراری می‌شود، اکثر دختران مورد مصاحبه عنوان کرده‌اند که پس از فرار آن‌ها حیثیت و شرافت خانواده شان در میان اقوام و آشنایان لطمه دیده است. به همین دلیل بسیاری از دختران مورد مصاحبه پس از فرار به طور کامل از سوی خانواده طرد شده‌اند. در مواردی که خانواده حاضر به قبول دختر فراری شده است شرایط خانواده به دلیل بی‌اعتمادی به دختر و یا سرزنش مدام او آنچنان برای دختر غیر قابل تحمل بوده است که اکثر آن‌ها مجدداً اقدام به فرار نموده‌اند.

### یافته‌های بخش گروه کانونی

جدول زیر بر اساس اولویت‌های عنوان شده در باب پیامدهای فرار تنظیم شده است. نکته قابل تأمل در جدول بالا تأکید کارشناسان بر دوستی با جنس مخالف و همچنین برقراری ارتباط جنسی به عنوان شایع‌ترین پیامدهای فرار است. اکثر کارشناسان در این نکته هم عقیده‌اند که بیش‌تر دختران پس از فرار مجبور به برقراری رابطه جنسی می‌شوند و یا مورد تجاوز قرار می‌گیرند و بکارت خود را از دست می‌دهند. این امر و همچنین تکرار رابطه جنسی با افراد مختلف می‌تواند آن‌ها را تبدیل به روسپیانی خیابانی نماید.

البته باید اشاره کرد که این روابط جنسی پیامدهای دیگری نیز از قبیل حاملگی‌های ناخواسته و انجام سقط جنین‌های غیرقانونی و غیربهداشتی را در پی دارد. علاوه بر این متخصصان فوق اختلالات روحی و روانی مانند افسردگی و پرخاش‌گری و همچنین مبتلا شدن دختران فراری به بیماری‌های مقاربتی و ایدز را از جمله مهم‌ترین پیامدهایی می‌دانند که دختران فراری دچار آن می‌شوند.

کارشناسان حاضر در گروه کانونی در باب مهم‌ترین پیامدهای خانوادگی فرار دختران بر طرد شدن دختر فراری از دامان خانواده و هم‌چنین از میان رفتن شرافت خانوادگی، تأکید داشتند. آن‌ها هم‌چنین افزایش فشارهای غیرمنطقی بر سایر اعضای خانواده پس از فرار یکی از اعضاء را از جمله پیامدهای مهم خانوادگی فرار معرفی کرده‌اند.

جدول ۲). اولویت بندی پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی فرار دختران از منزل

پیامد	اولویت	پیامدهای فردی
دوست شدن با جنس مخالف	۱	
برقراری رابطه جنسی	۲	
اختلالات روحی و روانی مانند افسردگی و پرخاش‌گری	۳	
ایدز و انواع بیماری‌های مقاربتی	۴	
از دست دادن بکارت	۵	
مورد تجاوز قرار گرفتن	۶	
عضویت در باندهای خلاف و فساد	۷	
اعتیاد به مواد مخدر	۸	
روسپیگری	۹	
اقدام به خودکشی و خود زنی	۱۰	
حاملگی ناخواسته	۱۱	
انجام سقط جنین	۱۲	

پیامدهای خانوادگی	۱	طرد شدن از خانواده
	۲	از بین رفتن شرافت و حیثیت خانواده
	۳	افزایش فشارهای غیر منطقی والدین بر سایر اعضای خانواده
پیامدهای اجتماعی	۱	ایجاد توزیع کنندگان مواد مخدر
	۲	صرف هزینه‌های گزاف برای حل این مسئله
	۳	تهدید بهداشت اخلاقی و روانی جامعه
	۴	افزایش نرخ آسیب‌های اجتماعی

این متخصصان مهم‌ترین پیامد اجتماعی پدیده دختران فراری را در ایجاد و شکل‌گیری باندهای توزیع مواد مخدر بیان کردند. هم‌چنین با افزایش میزان فرار دختران، دولت و جامعه مجبور است هزینه‌های مادی و معنوی زیادی را صرف حل این مشکل نماید. از سوی دیگر همان‌طور که ذکر شد فرار دختران افزایش نرخ آسیب‌های اجتماعی از جمله روسپیگری و ایجاد باندهای فساد و... را در پی دارد که این امور به نوبه خود می‌تواند بهداشت اخلاقی و روانی جامعه را تهدید کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی این‌گونه می‌توان بیان کرد که فرار کودکان و نوجوانان از منزل، به‌عنوان ساز و کاری دفاعی با واکنش جبرانی و رهایی بخش مطرح است که کودک و نوجوان به‌خاطر رهایی از رنج درون منزل خود به خیابان پناه می‌برد. اما برخلاف تصویری که دختر فراری در ابتدای امر از فضای بیرون دارد، پس از فرار با محیطی ناشناخته مواجه می‌شود که او را دچار سردرگمی و آشفتگی می‌کند. این محیط و مسیرهایی که ناخواسته پیش روی اوست پیامدهای وخیمی را برای او و خانواده‌اش ایجاد می‌کند که بر مبنای یافته‌های حاصله از روش‌های به‌کارگرفته شده در این تحقیق، در سه بخش مجزا قابل تحلیل و تفسیر می‌باشد:

۱. **پیامدهای فردی فرار دختران:** دختران نوجوان و جوان، به محض فرار از خانه در معرض خطرات بسیاری قرار می‌گیرند. در واقع اکثریت قریب به اتفاق موارد فرار دختران از خانه، در حالی اتفاق می‌افتد که دختر هیچ برنامه‌ای برای بعد از فرار خود از خانه ندارد و از پیامدهایی که در انتظارش است، آگاهی کافی ندارد. آوارگی، بی‌خانمانی و سرگردانی پس از فرار، دختران را با سرخوردگی و شوک مواجه می‌کند. به گفته برخی از این دختران فرار از خانه بیش‌تر به خود فرد ضربه می‌زند تا به خانواده و او را در کارهایی که هیچ‌گیزی از آن‌ها نیست، گرفتار می‌کند.

دختران فراری در بدو فرار، بیش‌ترین زمان خود را در پارک‌ها و خیابان‌ها می‌گذرانند و در ساختمان‌های متروکه، پارک‌ها و خانه‌های فساد و... شب را به صبح می‌رانند و طی مدت کوتاهی در پی آشنایی با باندهای فساد به فحشا کشیده می‌شوند و مدام از مکانی به مکان دیگر در حرکت هستند. در این مرحله است که برای رهایی از فشارهای روانی، غم سرگردانی و کمبود محبت، بسیار سریع در دام مواد مخدر گرفتار می‌شوند و برای امرار معاش به تکدی‌گری، سرقت، توزیع مواد مخدر، مشروبات الکلی و کالاهای غیرمجاز، روسپیگری و... اقدام می‌کنند. باندهای خلاف کار هم با شناسایی و جذب این دختران، آن‌ها را مورد شدیدترین سوء استفاده‌های جنسی، مادی و روحی قرار می‌دهند و برای رسیدن به اهداف خود آن‌ها را به طرق مختلف به خود وابسته و محتاج می‌کنند. این افراد پس از ارتکاب انواع جرائم و فساد اخلاقی دچار احساس بی‌زاری از خود، احساس گناه و آلودگی و انواع بیماری‌ها و اختلالات روحی و روانی می‌شوند. از این رو اعتماد به نفس خود را به طور جدی از دست داده و توان بازگشت به زندگی سالم را ندارند و برخی از آن‌ها به دلیل سرافکندگی ناشی از تجاوزات، حتی دست به خودکشی می‌زنند.

۲. **پیامدهای خانوادگی فرار:** از آن‌جا که خانواده و اعضای آن، نزدیک‌ترین اشخاص برای هر فرد هستند، مشکلاتی که برای فرد به وجود می‌آید، بیش‌ترین تأثیر را پس از خود فرد بر خانواده او می‌گذارد. از جمله مهم‌ترین پیامدهای خانه‌گریزی دختران در

خانواده، ایجاد مشکلات عاطفی و روحی روانی برای اعضاء خانواده به ویژه پدر و مادر است. تعداد زیادی از پدران و مادران به دنبال فرار دخترشان، دچار سکت، بیماری‌های قلبی و امثال آن می‌شوند. زیرا فرار دختران حیثیت و شرافت خانوادگی دختر را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد.

رفتار والدین پس از فرار فرزند در برخورد با سایر فرزندان نیز تغییر می‌کند و بدون بررسی دقیق مسئله فرار فرزندشان، شیوه تربیتی خود را تغییر می‌دهند، بر سخت‌گیری و فشارهای خود بر فرزندان می‌افزایند یا برعکس، بیش از حد معمول فرزندان خود را آزاد می‌گذارند که هر دو این رفتارها به زیان دیگر فرزندان خواهد بود. هم چنین الگوپذیری خواهران و برادران دیگر از رفتار فرد فراری از دیگر پیامدهای خانوادگی فرار از خانه می‌باشد.

۳. پیامدهای اجتماعی فرار: این پدیده اجتماعی علاوه بر خود فرد و خانواده او، آسیب‌های فراوانی را به جامعه وارد می‌کند. افزایش مشکلاتی چون: اعتیاد، قچاق، فحشا، دزدی، دوستی‌های خیابانی، روسپیگری، آلودگی و بیماری‌های جنسی از مهم‌ترین پیامدهای خانه‌گریزی برای جامعه می‌باشد که هر کدام از مشکلات یاد شده آسیب‌های متعددی را در جامعه به وجود می‌آورد. علاوه بر این، ضررهای اقتصادی که پدیده فرار دختران بر جامعه می‌گذارد نباید نادیده گرفته شود. افراد زیادی در ارگان‌های مختلف مثل دادگستری، نیروی انتظامی، بهزیستی و... در ارتباط با فرار از خانه فعالیت می‌کنند و هزینه‌های زیادی صرف این مسئله می‌شود. با در نظر گرفتن پیامدهای فرار مثل اعتیاد، بزهکاری و... می‌توان گفت که بخش زیادی از سرمایه‌های کشور صرف پدیده فرارنوجوانان و جوانان از خانه و پیامدهای آن می‌گردد و به عبارتی دیگر فرار دختران به اقتصاد جامعه نیز زیان می‌رساند.

این نکته نیز قابل تأمل است که مسائل اجتماعی همچنان که تحت تأثیر شرایط

اجتماعی شکل می‌گیرند، خود نیز بر شرایط اجتماعی در سطح خرد و کلان تأثیر می‌گذارند. برای کمک به حل مشکلات و معضلات دختران فراری به عنوان یک مسئله اجتماعی که به وقوع پیوسته و گروهی درگیر آن می‌باشند، نه تنها نیاز به برنامه ریزی در زمینه‌های متفاوت است، بلکه اقدامات مناسب را نیز باید به کارگرفت تا به کمک آن بتوان مسائل اجتماعی را کنترل کرد و از آسیب آن بر پیکر افراد در معرض آسیب کاست از همین روی چنین به نظر می‌رسد که ما نیازمند:

- قوانین مدون و کارا در زمینه مسائل اجتماعی و حقوقی زنان و دختران هستیم، از جمله قوانینی که امکان حمایت اجتماعی و خدمات رسانی به این قشر آسیب‌پذیر جامعه را فراهم آورد.

- تقویت بهزیستی به عنوان متولی آسیب‌های اجتماعی و آموزش تخصصی و فنی متولیان امر و نیز بازآموزی (آموزش ضمن خدمت) دست اندرکاران مشغول در بهزیستی، تا بتوانند مسئولیت پذیرفته و پاسخ گوی مسائل و مشکلات باشند و به عنوان متولی اصلی آسیب‌های اجتماعی شناخته شوند و این امر کمک می‌کند تا از تصمیمات متناقض و دوباره کاری‌ها جلوگیری شود و عمل کرد و اقدامات انجام شده نهادهای مختلف هم سو گشته و سیر معین و مثبتی داشته باشد.

- تجهیز مراکز خدماتی موجود با امکانات رفاهی، ورزشی، پزشکی و متخصصین مجرب به ویژه کارشناسان مدد کاری اجتماعی و... تا علاوه بر پیشرفت و سرعت بخشی در سامان دهی به کار مددجویان تحمل فضای موجود را برای آن‌ها ممکن ساخته و این امکان را به مددکاران بدهد تا با به کارگیری امکانات بهتر بتواند در راستای اهداف مراکز عمل نموده و امر سامان دهی را بهتر انجام دهند.

- بازتعریف مجدد از اقدامات تأمینی و بازدارنده سازمان بهزیستی و نیروی انتظامی به جهت کارایی بیشتر این مراکز و مثمرتر بودن این اقدامات به نوعی که موجب کاهش فرار و آثار آن گردد.

- و در نهایت جلوگیری از بازگشت مجدد و مراقبت از آسیب‌دیدگان اجتماعی، به شکلی که رو به نیستی و نابودی نروند و یا این که مجدداً به دنیای انحرافات و کج روی‌ها و آسیب‌های اجتماعی بازگشتی نداشته باشند. در این مرحله که نوعی بازپذیری مجدد اجتماعی است باید به کلیه آسیب‌دیدگان اجتماعی آن چنان سرویس و خدمات مادی و معنوی ارائه گردد تا مانع گرایش آنان به سوی ناپهنجاری‌های اجتماعی بشود و یا به شکلی آسیب‌های اجتماعی وارده بر آنها را ترمیم و جبران کرده و مانع از گسترش و عمق مشکل بیش‌تر و آسیب‌های بیش‌تر برای آنها شود.

- اردلان، علی (۱۳۸۲)، بررسی فرار دختران از منزل، طرح تحقیقاتی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- اردلان، علی؛ هلاکوی نائینی، کوروش؛ محسنی تبریزی، علیرضا؛ جزایری، علیرضا (۱۳۸۱): ارتباط جنسی برای بقا: پیامد فرار دختران از منزل، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم: شماره ۵
- ایزدی، سیروس (۱۳۷۱)، علل فرار نوجوانان دختر از منزل، کانون اصلاح و تربیت کرج، زیر نظر معاونت پژوهشی اجتماعی نیروی انتظامی.
- برزگر، صادق (۱۳۸۲)، فرار دختران، قم: نشر جمال
- پارسا بیدگلی، مهران (۱۳۸۴)، بررسی عوامل مؤثر بر فرار دختران و هنجاریابی ابزاری برای سنجش گرایش فرار دختران از منزل، استاد راهنما: دکتر حسین پاشا شریفی، کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- تیموری، علی اصغر (۱۳۷۶)، بررسی ویژگی‌های شناختی، اعتماد به نفس و خویشتن‌پنداری گروهی از نوجوانان دختر فراری مقیم بازپروری زنان سازمان بهزیستی، استاد راهنما: دکتر سعید شاملو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته کار درمانی (شاخه روان)، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- جشان، داوود (۱۳۸۱)، علل فرار دختران از خانه، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه علوم انتظامی.
- جوادی یگانه، محمدرضا و فروع‌الدین عدل، اکبر (۱۳۸۴)، مسئله دختران فراری، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی دانشگاه تهران،
- چهارده ولی، پروین (۱۳۸۱)، بررسی پدیده فرار دختران از خانه در شهر تهران، استاد راهنما: دکتر حسین تنهائی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز
- حریری، نجلا (۱۳۸۵)، اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران: دانشگاه آزاد - واحد علوم و تحقیقات
- حقیقت دوست، زهرا (۱۳۸۱)، عوامل زمینه ساز فرار دختران از خانه، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۳.



- حمیدی، فریده (۱۳۸۲)، بررسی ساخت خانواده، سبک دلبستگی در دختران فراری و اثر بخشی خانواده درمانی و درمانگری حمایتی در تغییر آنها، استاد راهنما: دکتر غلامعلی افروز، رساله دکتری رشته روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس
- خراطها، سعید (۱۳۸۲)، ساختار روسپیگری در محله قربت، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران جلد پنجم.
- دفتر امور اجتماعی وزارت کشور (۱۳۷۸)، گزارش سالیانه آسیب‌های اجتماعی ساروخانی، باقر (۱۳۸۶)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- سعیدی، محمد (۱۳۷۴)، بررسی علل فرار نوجوانان از خانه، استاد راهنما: دکتر شفیع آبادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشکده روانشناسی دانشگاه علامه
- سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی کجروی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- سیفی‌لی، زهرا (۱۳۸۵)، بررسی رابطه علت‌گریزی دختران فراری از مراکز مداخله در بحران دولت آباد و علت‌گریز ایشان از منزل، استاد راهنما: دکتر جیبی آقا بخشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- صمدی راد، انور (۱۳۸۱)، دختران فراری، مجرم یا مددجو؟ نشریه صدای عدالت، تهران.
- طهرانی‌زاده، مریم (۱۳۸۳)، بررسی نارسا کنش‌وری نگرش دختران فراری و عادی، استاد راهنما: دکتر کاظم رسول زاده طباطبائی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه تربیت مدرس.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۱)، آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران جلد یکم.

- علیایی زند، شهین (۱۳۸۲)، عوامل زمینه ساز تن دادن زنان به روسپیگری، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران جلد پنجم.
- کامکار، مهدیس (۱۳۸۲)، روسپیگری و بی‌مبالاتی جنسی، تفاوت و تشابه همراه با گزارش یک مورد مطالعاتی، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران جلد پنجم.
- کرم‌خانی، شایسته (۱۳۸۴)، بررسی ویژگی‌های فردی، خانوادگی و فرهنگی دختران فراری استان کرمانشاه، استاد راهنما: دکتر دکتر حبیب الله آقا بخشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- کی‌بین، رابرت (۱۳۷۸)، طرح تحقیق و روش‌های مورد پژوهی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پویان
- گودرزی، بهمن (۱۳۸۰)، بررسی تأثیر آموزشی تنش‌زدایی و مهارت‌ههی مقابله‌ای بر میزان تنیدگی و شیوه‌های مواجهه دختران فراری، استاد راهنما: دکتر جواد اژه‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس
- محبی، سیده فاطمه (۱۳۸۱)، آسیب‌شناسی اجتماعی زنان، فرار دختران از خانه، کتاب زنان، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۱۵.
- معتمدی، سیدهادی (۱۳۸۲)، اولویت بندی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در ایران، طرح تحقیقاتی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- معظمی، شهلا (۱۳۸۲)، فرار دختران چرا؟، تهران: نشرگرایش
- موسوی چلک، سید حسن (۱۳۸۳)، مصاحبه پیرامون وضعیت دختران فراری در ایران، روزنامه اعتماد، ۱۳ تیر ۱۳۸۳
- میرزایی، بهروز (۱۳۸۳)، دختران فراری امروز، زنان خیابانی فردا، نشریه حبان.
- نیازی، یعقوب (۱۳۸۲)، بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های فردی و الگوهای تعاملی خانواده دختران فراری و غیر فراری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی
- Burgess J. (1996) 'Focusing on fear', Area 28 (2): 130-36

- Coco, L.E & Courtney, J.(1998), **A Family Systems Approach for Preventing Adolescent - Runaway Behavior**, *Journal of adolescence*, available at< [www.findarticle.com](http://www.findarticle.com)>
- Crespi, T.D. & Sabatelli, R.M(1993) **Adolescent Runaways and Family Strife: A Conflict – Induced Differentiation Framework**, *adolescence*. 28
- Darlington,Y. and D.Scott(2002). **Qualitative research in practice: Stories from the field**. Buckingham: Open University Press.
- De Man,A.F.(2000)**Predictors of adolescent running away behavior**. Social Behavior and personality Farrow, J.A., Robert W. Deisher, Richard Brown, John W.Kuling, Micheled. Kipke (1992), **Health and Health needs of Homeless and Runway youth**, A position paper of society for adolescent medicine. **Journal of Adolescent Health**.
- Finkelhor,D.(1992)**Missing, Abducted, runaway, and Throwaway children in America**. National Incidence Studies, Washington, DC, U.S. Departemant of Jostice.
- Frick. P. J, Lahey, B.B, Loeber.R, Tannenbaum, L., Van Horn, Y., Christ, M.A.G., Hart, B.A., and Hanson, K (1993), **Oppositional defiant disorder and conduct disorder: A Meta-Analytic review of factor analyses and cross-validation in a clinic sample**.
- Kvale,S.(1996).**Interviews: An introduction to qualitative research interviewing**. Thousand Oaks, CA: sage.
- Whitbeck, L.B(2004) **Mental Disorder and Co-Morbidity among Runaway and Homeless adolescentent**, *Journal of adolescence Health*, 35.

